

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۵ می ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۹۳

مُلحدنامه

— ۵۹ —

ای کیر! سوی بحر بلا می فرستمت بنگر، که از کجا به کجا می فرستمت
سوی سرای بچه حاجی رضای خر زوری^۱ نمی کنم، به رضا می فرستمت
در لجه کس زن یوسف ترا، غریق می بینمت عیان و دعا می فرستمت
از موج غم مخور، که دو کشتی ز خایگان در صحبت شمال و صبا^۲ می فرستمت
شبهها چو نالی ای زن یوسف ز درد کیر با درد صبر کن، که دوا می فرستمت
مطرب چه می کنی، که من از درد خویشتن قول و غزل به ساز و نوا می فرستمت

* * *

^۱ - "زوری" (به پای معروف): منسوب به "زور" و با مفهوم قیدی، که به اصطلاح عوام کابلی "زورکی" و "به زور" شود.
^۲ - "شمال" در اصل در معنای "دست چپ" و مقابل "جنوب" است و در اصطلاح در معنای بادی، که از سمت شمال می وزد. در اصطلاح مردم ما "شمال" مطلقاً در معنای "باد" استعمال می شود، چنان، که در کلام قدما نیز چنین بوده است. درینجا مگر مراد از "شمال" همانا "باد شمال" است، در مقابل "صبا" که باد جنوب است